

British Foreign Policy towards Islamic Awakening: Case study: Egypt

Hosseini Hosseini*

Received: 2018/10/25

Hojatollah Noori Sari**

Accepted: 2019/02/11

Abstract

Islamic awakening in Egypt and the fall of the dictatorial regime of Hosni Mubarak as a strategic partner of Britain and the United States have changed the North-African region's political-security arrangements. The overthrow of Mubarak and the taking of the government by the Muslim Brotherhood led the British authorities to review their policies towards Egypt. Therefore, this article is written to answer this key question that "How does Britain manage, direct or control the Islamic movements and Islamic awakening to protect its national goals and policies?" The results of this study show that British policy towards the Islamic awakening is based on the neo-colonial approaches that seek the revival of powerful dependent states. For this reason, the state-building by the United Kingdom in Egypt is based on two foundations of "education and networking." In the first step, the Egyptian elite, in line with the British policies, take over the power, a role which is played by the Egyptian army right now. In the second step, the training and rebuilding of military and security institutions are on the agenda. The last step is the education of the media, women and youth, and simultaneously, entrepreneurship and development. It also reinforces feminism and the development of journalism and political education within the framework of secularist ideas, which is essentially aimed at curbing the emergence of Islamist currents in Egypt.

Keywords

Britain; Foreign policy; Egypt; Islamic awakening; State-Building

* Associate Professor at Imam Hossian Comprehensive University
Hoseini_h53@yahoo.com

** Ph.D. student of Imam Hossian Comprehensive University
noori1404@chmail.ir

سیاست خارجی دولت انگلستان در قبال بیداری اسلامی: مطالعه موردی مصر

حسین حسینی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۳

حجت الله نوری ساری**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

چکیده

وقوع بیداری اسلامی در مصر و سقوط رژیم دیکتاتوری حسنی مبارک - شریک راهبردی بریتانیا و آمریکا- موجب شد تا ترتیبات سیاسی-امنیتی منطقه شمال آفریقا دست‌خوش دگرگونی و تحول شود. سرنگونی مبارک و به قدرت رسیدن جریان اسلام‌گرای اخوان‌المسلمین، مقامات انگلیس را بر آن داشت تا در سیاست‌های خود در برابر مصر بازنگری و تجدیدنظر کنند. مقاله حاضر با هدف پاسخ‌گویی به پرسش کلیدی «بریتانیا در مواجهه با جنبش‌های اسلامی و امواج بیداری اسلامی، چگونه آنها را در راستای اهداف ملی و سیاست‌های خود مدیریت، جهت‌دهی یا کنترل می‌کند؟» تألیف شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست بریتانیا در قبال بیداری اسلامی مبتنی بر رویکردهای استعمارنویین، در جهت احیای دولت‌های قدرتمند وابسته و پاسخ‌گو به قدرت‌های بزرگ است. به‌همین منظور دولت‌سازی بریتانیا در کشور مصر بر سه پایه «آموزش، کادرسازی و ایجاد شبکه هم‌سو» قرار گرفته است. در گام نخست، نخبگان مصری هم‌سو با سیاست‌های انگلیس، در فرآیند یک توافق سیاسی، قدرت را در دست می‌گیرند. بر این اساس در شرایط کنونی نظامیان و ارتش مصر این نقش را بر عهده دارند. در گام دوم، آموزش و بازسازی نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی در دستور کار قرار می‌گیرد و در عمل بسترها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که مسئولیت نهادهای نظامی-امنیتی به دست دانش‌آموختگان مراکز امنیتی بریتانیا و غرب باشد. در گام نهایی نیز، آموزش رسانه‌ها، زنان و جوانان و به‌طور هم‌زمان کارآفرینی و توسعه مدنی مدنظر است تا در این راستا، علاوه بر اجرای طرح توسعه سیاسی و اقتصادی مطلوب لندن، فضای افکار عمومی مصر به سود بریتانیا مهندسی شود. همچنین تقویت فمینیسم و توسعه خبرنگاری و تربیت سیاسی با هدف تأسیس احزاب جدید در قالب اندیشه‌های سکولاریستی، با هدف مهار و تضعیف جریان‌های اسلام‌گرا در مصر انجام می‌گیرد.

واژگان کلیدی

انگلستان، سیاست خارجی، دولت‌سازی، بیداری اسلامی، مصر.

Hoseini_h53@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران

** دانشجوی دکتری دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، ایران (نویسنده مسئول)

noori1404@chmail.ir

مقدمه

بسیاری از جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های مردمی در دوران معاصر، در واکنش به نفوذ بی‌حد و حصر قدرت‌های استعماری در کشورهای مختلف اسلامی و با هدف رفع وابستگی و فساد گسترده دستگاه حاکمه شکل گرفته‌اند. در یک دهه اخیر نیز این خیزش‌های مردمی تلاش کرده‌اند تا با اصلاح نظام سیاسی در کشورهای خود، ضمن رفع فساد و استبداد سیاسی، مانع وابستگی دولت‌هایشان به قدرت‌های فرامنطقه‌ای شوند؛ اما ناامیدی رهبران نهضت‌های اسلامی از اصلاح و تغییر رویه دیکتاتورهای عرب در کشورهای اسلامی موجب شد تا این جریان‌ها ناگزیر جهت نیل به اهداف خود، برای تأسیس دولتی مستقل و اسلامی تلاش کنند.

شروع موج تازه‌ای از بیداری اسلامی در دسامبر ۲۰۱۰ (آذر ۱۳۸۹)، بستر مناسبی برای تغییر رژیم‌های دیکتاتوری و مستبدی بود که تا پیش از آن با حمایت و همراهی دولت‌های غربی جنبش‌های اعتراضی را سرکوب می‌کردند. جنبش‌های اسلامی در کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین در سطحی گسترده‌تر و خیزش‌های مردمی در کشورهای عربستان سعودی، الجزایر، مراکش، اردن و کویت در مقیاسی محدودتر برای احقاق حقوق‌شان وارد عرصه مقابله با دولت‌های دست‌نشانده شدند؛ تا جایی که در برخی کشورها همچون تونس، مصر، لیبی و یمن، حرکت عظیم مردم به سقوط رژیم حاکم منجر و در سایر مناطق، این منازعات به چالشی مستمر میان مردم و رژیم‌های عربی تبدیل شد.

ضلع دیگر این تحولات بازیگران فرامنطقه‌ای و قدرت‌های خارجی هستند که سابقه همکاری راهبردی و تعامل با رژیم‌های دیکتاتوری عرب منطقه را در کارنامه سیاست خارجی‌شان دارند. ورود کشورهای غربی به ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به‌ویژه در تحولات سال‌های اخیر همواره به‌گونه‌ای بود که ضمن حمایت از رژیم‌های دست‌نشانده، برای جنبش‌های اسلامی حس ناکامی و احساس

سرخوردگی به بار آورده است. در بین دولت‌های غربی، انگلستان به‌عنوان یکی از قدرت‌های مداخله‌گر در عرصه روابط بین‌الملل، نقش مهمی در ناکامی و اضمحلال نهضت‌های اسلامی در منطقه داشته است.

از این‌رو، گره اصلی این پژوهش بررسی رویکرد دولت انگلستان در برابر بیداری اسلامی در مصر با استفاده از چارچوب دولت‌سازی است. در واقع مسأله محوری این پژوهش آن است که دولت انگلیس در مواجهه با جنبش‌های اسلامی و امواج حرکت‌های اصیل ملی، چگونه آنها را در راستای اهداف ملی و سیاست‌های خود مدیریت، جهت‌دهی یا کنترل می‌کند؟

مقاله حاضر در نظر دارد تا سیاست خارجی انگلستان را در قبال انقلاب مصر با بهره‌گیری از داده‌های موجود (کتابخانه‌ای) و با روش توصیفی-تحلیلی، در چارچوب دولت‌سازی که ذیل اندیشه‌های استعمارنویین تعریف می‌شود، تشریح کند. به همین منظور ابتدا مفهوم استعمار نوین به‌عنوان مبنای دولت‌سازی توضیح داده شده و سپس مولفه‌های اصلی تشکیل دولت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته از منظر مقامات لندن در سه محور تبیین شده است. نخستین مرحله، ایجاد یک فهم مشترک برای رسیدن به اجماع نخبگانی است که به آن توافق سیاسی می‌گویند. سپس چگونگی تقویت و بازسازی نهادهای نظامی و امنیتی در مصر توضیح داده می‌شود و در مرحله آخر، شیوه مهندسی اجتماعی با هدف ایجاد تغییرات هویتی ذکر خواهد شد. لازم به ذکر است که در هر بخش، تلاش شد تا شواهد و استناداتی ارائه شوند که عمدتاً برگرفته از اظهارات مقامات بلندپایه بریتانیایی یا گزارش‌های رسمی نهادهای حاکمیتی در این کشور بوده است.

به نظر می‌رسد الگوی مناسب برای تبیین سیاست بریتانیا در قبال بیداری اسلامی، چارچوب مفهومی «دولت‌سازی» است؛ زیرا بر پایه آن و با در نظر گرفتن اقدامات آشکار و پنهان لندن در مصر، رفتار انگلستان به شکل بهتری قابل درک خواهد بود.

۱. چارچوب مفهومی

به‌طور کلی ریشه سیاست دولت‌سازی را بایستی در اندیشه‌های حاصل از استعمارنویین یا استعمار نو جستجو کرد. در مقام تعریف، استعمارنویین به کنترل کشورهای توسعه‌یافته بر کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته از طریق روش‌های غیرمستقیم اطلاق می‌شود. اصطلاح استعمار نوین ابتدا، پس از جنگ جهانی دوم با عنوان «وابستگی مستمر مستعمره‌های سابق به کشورهای خارجی» مطرح می‌شد؛ اما بعدها معنای گسترده‌تری پیدا کرد. برگزاری اجلاس ۱۹۵۷ کشورهای اروپایی در پاریس^۱ نقطه آغازین اجرای این سیاست قلمداد می‌شود؛ جایی که سران شش دولت اروپایی توافق کردند تا سرزمین‌های خارجی (مستعمرات) خود را در بازار مشترک اروپایی^۲ تحت ترتیبات تجاری قرار دهند؛ این اقدام شکل جدیدی از سلطه اقتصادی بر آفریقا معرفی شد (Halperin, 2018).

همچنین استعمار نوین، «اقدام هماهنگ قدرت‌های استعماری سابق و کشورهای توسعه‌یافته برای جلوگیری از رشد کشورهای در حال توسعه و حفظ آنها به عنوان منابع مواد خام و کار ارزان» قلمداد می‌شود؛ این تلاش‌ها در دوران جنگ سرد به‌ویژه با اجرای سیاست مشهور آمریکا موسوم به دکترین ترومن^۳ ارتباط نزدیکی داشت. بر اساس این سیاست، دولت ایالات متحده مبالغ هنگفتی را به هر دولتی که حمایت آمریکا را در مقابل کمونیسم می‌پذیرفت، می‌پرداخت؛ این امر آمریکا را قادر ساخت تا حوزه نفوذ خود را گسترش دهد و در برخی موارد دولت‌های خارجی را تحت کنترل خود در آورد. در مقیاسی وسیع‌تر، حکمرانی استعمار نوین به عنوان فعالیتی در قالب‌های کنترل غیرمستقیم، به‌ویژه از طریق سیاست‌های اقتصادی، مالی و تجاری شرکت‌های فراملی و نهادهای جهانی و چندجانبه دیده می‌شود. موسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول^۴ و بانک جهانی^۵ اغلب به مشارکت در استعمار نوین متهم می‌شوند؛ زیرا اعطای وام (همچنین سایر اشکال کمک‌های اقتصادی) را

مشروط به این می‌کنند که کشورهای دریافت‌کننده، اقدامات مطلوب از نگاه کسانی که از این موسسات نمایندگی می‌کنند- در حالی که زیان آور برای اقتصاد خودشان (دریافت‌کنندگان وام) است- را در دستور کار قرار دهند (Halperin, 2018).

بر این اساس، اجرای سیاست‌های استعمار نوین روشی جدید برای نفوذ و کنترل غیرمستقیم کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته‌ای قلمداد می‌شود که در ظاهر دوران استعمار را پشت سر گذاشته‌اند؛ صورت‌بندی مجدد این سیاست از اواخر قرن ۲۰، پیوند محکمی با رویکردهای دولت‌مملت‌سازی در دولت‌های به اصطلاح شکننده دارد. چنان‌که مورتون کاپلان^۶ دولت‌سازی را به‌ویژه بر اساس ادبیات قدرت‌های بزرگ از دهه ۱۹۹۰، به مجموعه‌ای از اقدامات انجام گرفته توسط بازیگران ملی یا بین‌المللی برای ایجاد، اصلاح و تقویت «نهادهای دولتی» که به‌طور جدی فرسوده شده یا از دست رفته‌اند، اطلاق می‌کند. از نگاه کاپلان اهداف کلیدی دولت‌سازی چنین است: تأمین امنیت، برقراری حاکمیت قانون، ارائه مؤثر کالاهای اساسی و خدمات از طریق نهادهای رسمی دولت و تولید مشروعیت سیاسی برای نهادهای دولتی (جدید) که ساخته می‌شوند. به عبارتی دیگر، دولت‌سازی، ساخت بنیان‌های بسیار اداری است که حکومت در آن باید فعالیت کند (Fritz & Menocal, 2007, p. 13). تحلیل‌گران آمریکایی مدعی‌اند که هدف نخست دولت‌سازی آن است که جوامع خشونت‌طلب را صلح‌آمیز کند، نه آنکه فقیر را مرفه یا افراد مستبد را دموکرات کند. توسعه اقتصادی و اصلاحات سیاسی ابزار مهم برای ایجاد این تحول هستند. امنیت عمومی و کمک‌های بشردوستانه اولویت‌های یکم، برای هر مأموریت به شمار می‌آیند (Dobbins and others, 2007, p.23). بر این اساس آنچه انگلیسی‌ها از آن به عنوان ساخت یک دولت پاسخگو^۷ نام می‌برند، شامل سه مرحله ضروری ذیل است:

۱. توافق سیاسی^۸

اولین و مهم‌ترین اصل در تشکیل یک دولت جدید، رسیدن به یک توافق سیاسی در بخش‌های نخبگانی جوامع هدف است. به همین دلیل برخی مفسرین اصطلاح «اجماع نخبگان»^۹ را با تأکید بر مرکزیت فرآیندهایی که نخبگان را متقاعد می‌سازد که به صورت مسالمت‌آمیز هم‌زیستی کنند، ترجیح می‌دهند. عمده‌تأ ایجاد این درک مشترک یا همان توافق سیاسی در سایه کسب منفعت (امید به سود بیشتر از قبل یک طرح دولت‌سازی مشترک) یا به دلیل یک حس قوی بین‌الاذهانی (مانند اعتقادات مذهبی یا ایدئولوژیک) محقق می‌شود (Whaites, 2008, p. 6-7).

۲. کارکردهای بقا^{۱۰} یا استمرار

حوزه دوم در این فرآیند، برقراری مجموعه‌ای از کارکردهای ضروری برای بقا و تقویت چارچوب‌های نهادی دولت است. پس از ظهور یا تکامل یک توافق سیاسی که سازمان و ساختارها را ایجاد کرد، دولت باید قادر به انجام سه وظیفه اصلی باشد:

- امنیت: قادر به کنترل کردن، در صورت عدم انحصار آن، استفاده از خشونت؛
- درآمد: توانایی جمع‌آوری منظم وجوه، به‌ویژه از طریق مالیات؛
- قانون: توانایی حکمرانی از طریق قوانین و نمایش انجام آن (Whaites, 2008, p. 7).

۳. کارکردهای مورد انتظار^{۱۱}

انتظارات در مورد نحوه عملکرد دولت در مسائل مربوط به شهروندان و بازیگران خارجی (مانند حامیان مالی) اهمیت دارد. عملکرد مورد انتظار از دولت پاسخ‌گو در تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازهای جاده‌ای بهتر، خدمات اجتماعی، نظافت و سایر خدمات دیده می‌شود (Whaites, 2008, p. 9).

بر این اساس آنچه که در اسناد امنیت ملی بریتانیا آمده، مداخله دولت انگلیس در امور کشورهای دیگر که دربردارنده «مؤلفه‌های دولت‌سازی» است از مجرای سه حوزه سیاسی، اقتصادی و امنیتی صورت می‌گیرد؛ نخست حمایت سیاسی: سرشت حمایت

سیاسی به گونه‌ای است که «نه می‌توان آن را همانند حمایت نظامی یا مالی اندازه گرفت و نه همانند آن در دسترس است.» حمایت سیاسی غالباً پنهانی و عموماً نامحسوس است. این نوع از حمایت در شناسایی و فائق آمدن بر مشکلات نوظهور به شدت کارآمد است و انگلستان مدعی است که در این حوزه شهرت بین‌المللی زیادی دارد (استراتژی امنیت ملی بریتانیا، ۱۳۸۹، ص. ۵۲). این بخش از طریق اقداماتی چون:

- نظارت بر مشکلات حقوق بشری؛
- میانجی‌گری در دعوای سیاسی که حکایت از منازعه دارند؛
- ارتقای نقش زنان در ایجاد صلح و آشتی (از جمله به واسطه قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل)؛
- میانجی‌گری و مدیریت منازعات از جمله با ارتباط‌های پشت پرده با طرف‌ها؛
- واسطه‌گری در گفتگوها؛
- استفاده از اهرم‌های بین‌المللی برای به توافق رساندن طرف‌ها و تضمین موافقت‌نامه‌های صلح؛
- ارائه حمایت و راهنمایی سیاسی برای برقراری ثبات و بازسازی پس از منازعه از جمله تلاش برای درون‌گذاری سیاسی و حل و فصل دائمی‌تر دعاوی و شکایات انجام می‌شود (استراتژی امنیت ملی بریتانیا، ۱۳۸۹، ص. ۵۲).
- دوم حمایت اقتصادی؛ انگلستان چنین ادعا می‌کند که با پیگیری برنامه‌های توسعه، از فرآیندهای توسعه اقتصادی و اجتماعی حمایت می‌کند که نقشی اساسی در پیشگیری بلندمدت منازعات خشونت‌آمیز دارند. سوم، حمایت امنیتی؛ در هر جا که امکان داشته باشد عملیات حفظ صلح و اعمال صلح باید با مشارکت نیروهای محلی انجام شود؛ زیرا این مسیر، محتمل‌ترین مسیر رسیدن به موفقیت است؛ اما مستلزم تمرکز گسترده بر ظرفیت‌سازی امنیتی در دو سطح ملی و محلی نیز هست از جمله نیروهای مسلح، پلیس، نیروهای مرزبان، تأمین امنیت برای شهروندان و دولت، کمک به ایجاد نظام

قضایی کارآمد و پاسخ‌گو که از دادگاه تا زندان را در برگیرد (استراتژی امنیت ملی بریتانیا، ۱۳۸۹، ص. ۵۳).

بر اساس آنچه که به طور خلاصه در مورد دولت‌سازی مبتنی بر رهیافت بریتانیایی گفته شد، می‌توان سیاست خارجی دولت انگلستان را در قبال بیداری اسلامی در کشور مصر در این چارچوب تحلیل و تبیین کرد.

۲. سیاست بریتانیا در قبال بیداری مصر

نگرشی اجمالی به تحولات منطقه گویای آن است که اعتراضات و راهپیمایی‌های گسترده مصر به تاسی از انقلاب تونس، در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ (۵ بهمن ۱۳۸۹) آغاز شد و با کناره‌گیری اجباری حسنی مبارک دیکتاتور مصر در ۱۱ فوریه همان سال، تمامی اختیارات به شورای عالی نیروهای مسلح واگذار شد. محمد مرسی نماینده جریان اسلامی‌گرای اخوان‌المسلمین در انتخابات ماه ژوئن ۲۰۱۲ به عنوان رئیس جمهور مصر انتخاب شده است؛ اما حدود یک سال بعد در ۳ جولای ۲۰۱۳ مرسی با کودتای نظامی برکنار شد و فرمانده ارتش قدرت را شخصاً در دست گرفت و با برگزاری یک انتخابات فرمایشی در ۲۸ می ۲۰۱۴ عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر شد (Cockburn, 2016).

در خلال تحولات داخلی مصر، دولت انگلیس تلاش کرد تا هم‌سو با سیاست‌های کاخ سفید برای تأمین امنیت مرزهای رژیم صهیونیستی و حفظ شریک استراتژیک منطقه‌ای خود، درگام نخست مانع سرنگونی حسنی مبارک شود. همچنان‌که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در خاطرات خود آشکارا از همکاری راهبردی با دیکتاتورهای منطقه سخن می‌گوید و می‌نویسد: مبارک در موضوعات کلیدی با ایالات متحده مشارکت استراتژیک داشت (کلینتون، ۱۳۹۴، ص. ۵۱۷)؛ قسمت اعظم سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ را وقف کار با حسنی مبارک رئیس جمهور مصر و ملک عبدالله دوم پادشاه اردن کرده بودم تا رهبران اسرائیل و فلسطین را برای گفتگوی رو در

رو گردهم آورم (کلینتون، ۱۳۹۴، ص. ۵۱۰). در عین حال وزیر خارجه وقت آمریکا اعتراف می‌کند که اصلاح فساد سیاسی و اقتصادی رژیم‌های وابسته منطقه اولویت اول دولت متبوعش نبود بلکه دولت‌های پی‌درپی آمریکا، «مقاصد درازمدت مانند ترغیب اصلاحات داخلی در کشورهای عرب متحد آمریکا را در اولویت دوم قرار داده بودند» و هرگز مناسبات نظامی خود را با آنها قطع نکردند (کلینتون، ۱۳۹۴، ص. ۵۰۹). در همین راستا دیوید کامرون همزمان با شروع انقلاب مصر و بحرانی شدن اوضاع آن، ضمن اعلام حمایت از مبارک و ناخشنودی از برکناری احتمالی وی، تنها خواستار «اصلاحات در مصر» شد و اظهار داشت:

مبارک دوست انگلیس است. انگلیس روابط خوبی با مصر داشته است. ما در خصوص مسایل زیادی با هم همکاری کرده‌ایم... آنچه ما (در مصر) از آن حمایت می‌کنیم، اصلاحات است نه انقلاب؛ پیشرفت و اصلاحات مردمی که شکایات و نارضایتی‌های موجود در این کشور را برطرف کند (Willis, 2011).

پس از گسترش دامنه اعتراضات مردم مصر و قطعی شدن سقوط مبارک، دولت انگلیس در تغییر موضعی آشکار، حمایت از انقلابیون را جایگزین حمایت از مبارک کرد. بر این اساس نخست وزیر سابق انگلیس، در اولین دیدار خود از مصر، پس از سقوط مبارک، حرکت انقلابیون مصری را «الهام‌بخش» توصیف کرد (Eltahawy, 2011). بنابراین دولت انگلیس در قبال انقلاب مصر با استانداردی دوگانه، ابتدا تمام توان خود را صرف حفظ مبارک کرد اما با قطعی شدن سقوط وی، تلاش کرد تا در صف انقلابیون مصری قرار گیرد و سهمی را برای نفوذ خود در نظام سیاسی آینده مصر تصاحب کند.

اعلام خبر پیروزی محمد مرسی در انتخابات ریاست جمهوری مصر نشان داد که نفوذ و محبوبیت اسلام‌گرایان در جامعه مصر بسیار بیشتر از آن چیزی بود که دولت‌های غربی تصور آن را داشتند. چنان‌که علی‌رغم تبلیغات و حمایت تمام و کمال

رسانه‌های غربی همچون بی.بی.سی از بازماندگان رژیم مبارک، باز هم نماینده اخوان المسلمین مصر در انتخابات پیروز شد. بر این اساس دولت انگلیس تلاش کرد تا با به رسمیت شناختن اسلام‌گرایان مقدمات ارتباط با این جریان قدرتمند مصر را فراهم کند. گزارش کمیته امور خارجه وزارت خارجه انگلیس، با اذعان به این مطلب نوشت: «دولت به درستی شروع به تماس بیشتر با احزاب اسلام‌گرای منطقه کرد که در انتخابات موفقیت خود را به اثبات رساندند. این کار بایستی با هدف تعمیق تعامل با احزاب اسلام‌گرا از جمله اخوان المسلمین در مصر، در مرحله اولیه به منظور نشان دادن کمک و پشتیبانی از حقوق بشر و اصلاحات دموکراتیک انجام گیرد.» (Foreign Affairs Committee, 2012, p. 4). بررسی عمیق‌تر سیاست خارجی بریتانیا در قبال بیداری اسلامی مصر گویای این واقعیت است که سرنگونی حسنی مبارک و فقدان یک شریک راهبردی موجب شد تا دولت مردان انگلیس سیاست دولت‌سازی را در پیش گیرند تا در بلندمدت رژیم مصر بدون نیاز به مداخله مستقیم و آشکارا، به گونه‌ای جهت‌گیری کند که منافع دولت‌های غربی را در منطقه تأمین کند. بخشی از این راهبرد مداخله‌گرایانه در سایه اقدامات چندجانبه با کشورهای مختلف پیگیری می‌شود؛ بر این اساس بریتانیا در سند امنیت ملی خود اعلام می‌کند که «ما در پی آن هستیم که «ثبات و امنیت بلندمدت» را در آفریقای شمالی ببینیم و به همکاری با شرکایمان از جمله اتحادیه اروپا در زمینه حمایت از این امر ادامه خواهیم داد. ما در این زمینه فعالیت خواهیم کرد که روابط دوجانبه قوی با مصر برقرار کنیم و بر ارتقای اصلاحات، همکاری امنیتی و رفاه تمرکز کنیم» (استراتژی امنیت ملی، دفاع و امنیت استراتژیک، ۱۳۹۵: ۱۱۴-۱۱۲). همچنین «ما همکاری خود در زمینه توسعه در دولت‌ها و مناطق آسیب‌پذیر را افزایش خواهیم داد و برنامه مشترک دیپارتمان توسعه بین‌الملل - آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا را تقویت خواهیم کرد» (استراتژی امنیت ملی، دفاع و امنیت استراتژیک، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۴). در این راستا دولت انگلیس در چارچوب روابط ویژه،

محور مداخله‌گرایی چند جانبه خود را همراهی با سیاست‌های واشنگتن قرار داده است؛ به طوری که معاون خاورمیانه‌ای وزارت امور خارجه بریتانیا درباره سیاست هماهنگ لندن- واشنگتن در شمال آفریقا اظهار داشت: «در مرحله اول، ایالات متحده مهم‌ترین متحد ما است. رابطه ما ریشه در تاریخ دارد؛ اما امروزه در قرن ۲۱ قوی‌تر از هر زمانی بوده است. دامنه همکاری ما در جهان گسترده است... انگلستان و آمریکا اولویت‌های مشترک داشته‌اند. هیچ مثالی بهتر از همکاری بین بریتانیا و ایالات متحده در افغانستان نیست؛ جایی که در آن هر دو شانه به شانه با شرکای افغان خود، برای کمک به افغانستان جهت تبدیل شدن به یک کشور با ثبات و امن حضور داشته‌اند.» (Burt, 2012).

بر این اساس، می‌توان گفت که مخرج مشترک سیاست واشنگتن و لندن در مواجهه با امواج بیداری اسلامی در مصر، تشکیل یا بازتولید دولتی هم‌سو و مقتدر است که از رهگذر اقدامات زیر پیگیری می‌شود:

الف- توافق سیاسی در سایه حمایت سیاسی

نخستین گام برای دولت‌سازی در مصر پسا مبارک، ایجاد «یک درک مشترک» میان شرکای راهبردی و جریان‌های هم‌سوی داخل مصر، برای شکل‌گیری دولت جدید بود؛ در این روند ضمن خلع ید از برخی نخبگان، گروه دیگری از نخبگان قادر خواهند بود تا زمام امور را در دست گیرند. در واقع دولت انگلیس در قالب میانجی‌گری، در صدد حمایت سیاسی از بخشی از جامعه نخبگانی مصر که همان ارتش بود، برآمد و ساخت جدید قدرت در مصر را با حمایت سیاسی از کودتاگران مجدداً تغییر داد.

لندن پس از سرنگونی حسنی مبارک و پیروز اسلام‌گرایان اخوانی در یک انتخابات دموکراتیک از شرایط حاکم بر مصر رضایت نداشت و آن را خلاف منافع ملی خود می‌دید؛ به همین سبب تلاش کرد تا با حمایت سیاسی از نظامیان ارتش، بستر را برای یک کودتا جدیدی مهیا کند. همچنان که تویباس الوود معاون وقت وزیر امور خارجه

انگلیس- طی اظهاراتی بیان کرد: «در مصر در جریان انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، اخوان المسلمین پیروز می‌شود؛ اما ظرف چند ماه میلیون‌ها نفر به خیابان‌ها می‌ریزند و می‌گویند این روندی نیست که کشور به دنبال آن بوده است» (کمیته امور خارجی مجلس عوام بریتانیا، ۱۳۹۵). در همین چارچوب مجلس عوام انگلیس در گزارش خود به صراحت اعلام کرد: «بریتانیا به دنبال راه‌های نفوذ با روش اعمال فشار مستمر بر جنبش‌های اسلام‌گرا، به‌خصوص نخبگان آن‌هاست تا از این طریق بتواند آن حرکت‌های اسلامی را به سمت نظم (به‌اصطلاح) جهانی و طرفداری از غرب بکشانند» (کمیته امور خارجی مجلس عوام بریتانیا، ۱۳۹۵). به همین منظور طرح مشترک وزارتخانه‌های امور خارجه و توسعه بین‌الملل بریتانیا با عنوان «طرح مشارکت عربی» در چارچوب اصلاحات سیاسی و اقتصادی در غرب آسیا و شمال آفریقا راه‌اندازی شد. طرح مشارکت عربی شامل حمایت دیپلماتیک از اصلاحات سیاسی است که از طریق نهادهای چندجانبه‌گرا شامل اتحادیه اروپا، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول اجرایی می‌شود (FCO and DFID and MOD, 2015). نیک کَلگ، معاون وقت نخست‌وزیر انگلیس هم در این راستا اظهار داشت: «انگلستان با سازمان‌هایی مانند «شورای بریتانیا» (برتیش کانسل)، و «بنیاد وست مینستر برای دموکراسی» جهت حمایت از این جوامع با پیچ و مهره کردن گذار در مصر، تونس و مناطق دیگر همکاری دارد. «صندوق مشارکت غرب» مان از طیف وسیعی از پروژه‌های سیاسی حمایت می‌کند، از کمک به جنبش‌های نوپای که تبدیل به احزاب سیاسی سازمان یافته می‌شوند تا ایجاد روش‌های پارلمانی برای مجالس تازه تأسیس، ایجاد محلی برای جلوگیری از فساد، پروژه‌های کادرسازی برای مشارکت زنان و دیگر گروه‌های به حاشیه رانده شده، ارائه کمک فنی برای جایگزینی انحصار رسانه‌های دولتی با رسانه‌های جمعی و کمک به ثبت نام تعداد زیادی از مردم که پیشتر هرگز رأی نداده‌اند» (Clegg, 2011) در واقع مقامات بریتانیا بر این باور هستند که پاسخ آنها نیازمند به سه سطح است:

- ✓ چندجانبه، در چارچوب همکاری با یکدیگر خواه در اتحادیه اروپا، سازمان ملل، ناتو و یا در یک ائتلاف موردی.
- ✓ دو جانبه، در قالب همکاری با کشورهای شریک به صورت مجزا.
- ✓ به صورت داخلی، ایجاد اطمینان از اینکه تهدید خارجی با واکنش داخلی همراه خواهد بود (Allen, 2014).

ایجاد درک مشترک به منظور دستیابی به توافق سیاسی نه تنها در عرصه داخلی مصر، بلکه راهکاری برای هم‌گرایی بیشتر قدرت‌های بزرگ به منظور ساخت دولتی جدید در مصر بود. در این راستا آلیستر برت، معاون خاورمیانه‌ای وزارت امور خارجه انگلیس هم اظهار داشت: «یک پاسخ مشترک از سوی بریتانیا و ایالات متحده ضروری است و این دقیقاً همان چیزی است که در حال حاضر اتفاق می‌افتد... ما در حال انجام این کار با هم هستیم. رهبران و مقامات مان به طور مداوم در تماس هستند؛ ما تجزیه و تحلیل‌هایمان را به اشتراک می‌گذاریم و در حال همکاری در میدان عمل در پایتخت‌هایی مانند تونس و قاهره هستیم» (Burt, 2011). همان‌گونه که پیش‌تر مطرح شد، حمایت سیاسی و دستیابی به توافق سیاسی «غالباً پنهانی و عموماً نامحسوس» است؛ اما می‌توان با بررسی مواضع منفی انگلیس در قبال اسلام‌گرایان اخوانی مصر و بی‌تفاوتی مقامات لندن نسبت به انجام کودتا در مصر، چنین نتیجه‌گیری کرد که دولت انگلیس چندان هم نسبت به خلع ید از دولت اخوان‌المسلمین در مصر ناخشنود نیست و ترجیح می‌دهد تا نیروهای نظامی سکولار نزدیک به غرب، قدرت را در این کشور آفریقایی به دست گیرند.

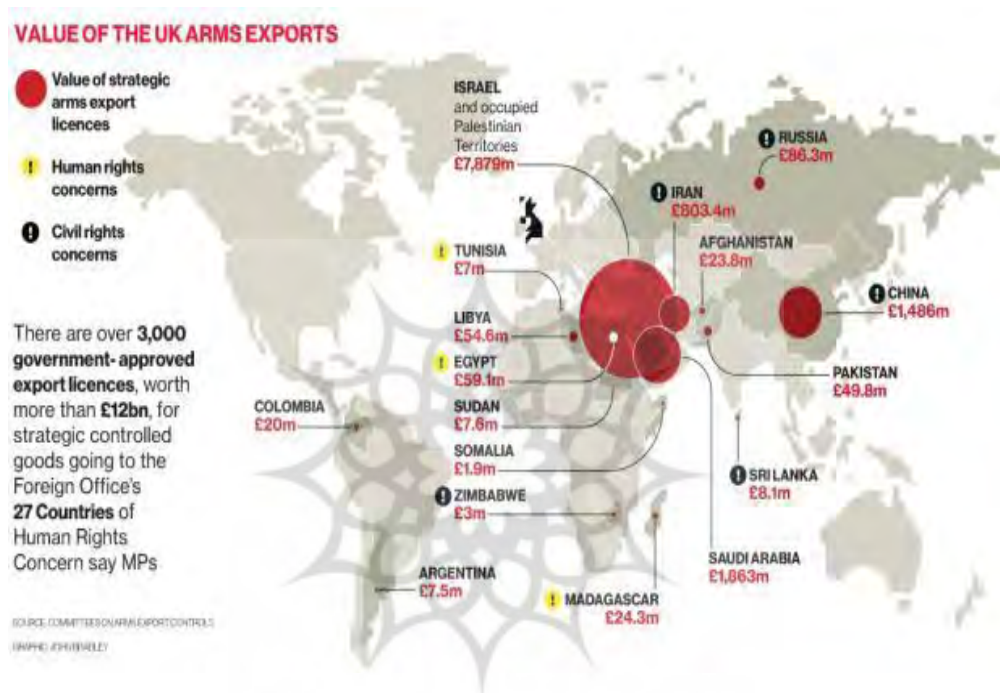
ب- ایجاد کارکردهای بقا با توانمندسازی در حوزه امنیت

یکی از گام‌های اساسی در ساخت دولت جدید، مهار خشونت‌کنترل نشده با استفاده از قوه قهریه و از مجاری توانمندسازی نیروهای نظامی-امنیتی محلی است؛ زیرا فقدان یا ضعف در حوزه‌های امنیتی مانع شکل‌گیری دولتی مقتدر می‌شود. همچنین مقامات لندن

به این امر واقف هستند که حضور گسترده نیروهای خارجی و غیربومی برای تأمین امنیت در کشورهای هدف، علاوه بر بار مالی، به دلیل تبعات امنیتی و اجتماعی آن عملاً با چالش‌های جدی روبرو است. به همین سبب دولت انگلیس برای تحصیل اهداف و منافع ملی خود که در چارچوب استعمارنویین معنا پیدا می‌کند، ناگزیر به سمت آموزش، تقویت و سازماندهی نهادهای نظامی و امنیتی کشور هدف گام برمی‌دارد. همچنان‌که معاون خاورمیانه‌ای وزیر امور خارجه انگلیس در این ارتباط گفت: «تمرکز اصلی در تلاش‌های گسترده‌ترمان در حمایت از رژیم‌های جدید این است که برای کمک به آنها، بخش ضدتروریسم و امنیتی آنها را بازسازی کنیم... در کوتاه مدت، فروپاشی مکانیسم‌های امنیتی ممکن است برخی فرصت‌ها را برای سوء استفاده گروه‌های تروریستی فراهم کند. ما باید این چشم‌انداز را در نظر داشته باشیم؛ اما ما باید به نظارت و مراقبت ادامه دهیم... در مصر همچنانکه دستگاه‌های امنیتی برجیده و دوباره تشکیل شد و همان‌طور که رژیم به تشکیل دوباره‌اش می‌نگرد، یک دوره اجتناب ناپذیر وجود خواهد داشت که سرویس‌های امنیتی محلی کمتر قادر به مقابله موثر با تروریسم هستند... پرداختن به این آسیب‌پذیری باعث می‌شود تا روابط ضدتروریسم یک بخش حیاتی از تعامل ما را با منطقه تشکیل دهد و ما به همکاری با پلیس محلی ادامه خواهیم داد و سرویس‌های امنیتی تلاش کنند و مانع حملات تروریستی شوند.» (Burt, 2011).

با وجود مرگ صدها معترض در خلال حرکت مردم مصر برای سرنگونی حسنی مبارک از قدرت و کودتای نظامی در جولای ۲۰۱۳ که منجر به برکناری رئیس‌جمهور مرسى شد، دولت انگلیس همچنان به صادرات اسلحه به مصر ادامه داد. وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در نشست ۲۱ آگوست ۲۰۱۳ در مورد واکنش خود دیداری انجام دادند که اطلاع‌رسانی‌ها بعدی روشن ساخت که تنها برخی از مجوزهای صادرات تسلیحات نظامی لغو خواهد شد. با توجه به نگرانی در مورد مرگ شهروندان،

سازمان صدور مجوز صادرات در وزارت تجارت، نوآوری و مهارت‌های^{۱۲} بریتانیا پنج مجوز صادرات را در ۱۹ جولای ۲۰۱۳ لغو کرد (Campaign Against Arms Trade, 2015).



شکل (۱): مصر مشتری اصلی تسلیحات ساخت بریتانیا در منطقه شمال آفریقا
منبع: (Sengupta, 2013)

در واقع استمرار صادرات سلاح به کشور مصر پس از سقوط دیکتاتوری مبارک، علاوه بر انگیزه‌های اقتصادی، نشان دهنده آن است که دولت انگلیس به دنبال حفظ مناسبات نظامی و امنیتی با قاهره است. هم‌چنان‌که ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه وقت انگلیس، از اجرای اقدامات مشترک در حوزه امنیت با مقامات امنیتی مصر خبر داد و گفت: مقامات مصری و بریتانیایی یک سلسله جلساتی را برای عملیات مشترک برگزار کرده‌اند. آژانس جرائم سازمان یافته جدی (اس.او.سی.آی) یک یادداشت تفاهم در

زمینه اشتراک‌گذاری اطلاعات با واحد اطلاعات مالی مصر امضا کرده است و ما عملیات مشترک اطلاعاتی پلیس با پلیس را به‌ویژه، در مراحل اولیه پیش از آن‌که یک درخواست برای همکاری حقوقی متقابل به وجود بیاید، افزایش داده‌ایم (2012 Hague).

همچنین سال ۲۰۱۶ مایکل فالون وزیر دفاع انگلیس در جریان سفرش به مصر اعلام کرد که بریتانیا به ارتقای روابط آموزشی خود با نیروهای مسلح مصری متعهد است. پس از آموزش بیش از ۸۰ نفر از کارکنان نیروهای مسلح مصری طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به میزبانی بریتانیا، وزیر دفاع انگلیس وعده داد تا در کنار ارتش مصر به آموزش نیروهای نظامی این کشور ادامه دهد. فالون گفت: آموزش‌های حیاتی ما به نیروهای مسلح مصر کمک کرد تا تجهیزات خطرناکی که تهدید مشترک دو کشور هستند، بی‌اثر شوند (Ministry of Defence, 2016). از سوی دیگر دولت انگلیس به عنوان عضوی از نیروها و ناظران چندملیتی^{۱۳} ذیل یک سازمان چندملیتی حافظ صلح مستقل از سازمان ملل در مصر حضور دارد. اوایل سال ۲۰۱۶ حدود ۱۰۰ نفر از نیروهای نظامی بخش مهندسی سلطنتی بریتانیا به منظور پشتیبانی از نیروها و ناظران چندملیتی در مصر مستقر شدند (Ministry of Defence, 2016).

البته این سنخ از همکاری‌ها پیش از آغاز بیداری اسلامی در مصر نیز میان لندن- قاهره وجود داشته چنانکه در سند امنیت ملی ۲۰۱۰ بریتانیا آمده است: «به منظور حمایت از یکپارچگی بیشتر در صحنه عمل، صندوق کمک به برقراری ثبات^{۱۴} با موجودی ۲۶۹ میلیون پوند و واحد برقراری ثبات^{۱۵} را تأسیس کرده‌ایم که تحت مدیریت مشترک وزارت توسعه بین‌الملل^{۱۶}، وزارت امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع^{۱۷} و وزارت دفاع^{۱۸} است. این تشکیلات یک «صندوق پیشگیری از منازعه»^{۱۹} تأسیس کرده است که دارایی آن طی سه سال آینده بالغ بر ۳۲۷ میلیون پوند خواهد بود» (استراتژی امنیت ملی بریتانیا، ۱۳۸۹، ص. ۵۸)؛ اما پس از تغییر رژیم سیاسی در مصر مناسبات نظامی و

تقویت حوزه‌های امنیتی با حساسیت بیش از پیش در دستور کار مقامات لندن قرار گرفت.

ج- اجرای طرح‌های توسعه همگام با شبکه‌سازی اجتماعی

سومین گام در جهت دولت‌سازی که از لحاظ گستردگی، شمار بیشتری از افراد اجتماع را در بر می‌گیرد، کادرسازی و ایجاد شبکه انسانی سیاسی- اجتماعی در کنار توسعه اقتصادی و مدنی است. در آخرین سند امنیت ملی بریتانیا (۲۰۱۵) نیز تلویحاً به این مسأله اشاره شده و آمده است:

تأثیر ما بر سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی، توسعه، تجارت و آموزش و از راه پیوندهای فرهنگی و مردمی به ما امکان جذب و ترغیب دیگر کشورها را می‌دهد تا برای همان هدفی که ما داریم فعالیت کنند و اقدامات بازدارانه در حمایت از اهدافمان و تأکید بر این امر را در پیش بگیرند. این سرمایه‌ای منحصر به فرد و قدرتمندی است که در طول نسل‌ها ایجاد شده است. هدف ما این است که ملت پیشروی قدرت نرم بوده است و از منابعمان در راستای ایجاد روابطی استفاده کنیم که می‌تواند تأثیرمان در جهان را طراحی و بهبود بخشد (استراتژی امنیت ملی، دفاع و امنیت استراتژیک انگلستان، ۱۳۹۵، صص. ۹۴-۹۵).

در بخش دیگری از همین سند امنیتی دولت بریتانیا، به شبکه‌سازی در کشورهای مختلف اشاره و عنوان می‌کند که «ما طرح‌های بورس تحصیلی چیونینگ، مارشال و کشورهای مشترک‌المنافع را از مجرای وزارت توسعه بین‌الملل، وزارت امور خارجه و کشورهای مشترک‌المنافع مدیریت و سرمایه‌گذاری می‌کنیم. این امر روابطی دیرپا با رهبران جهانی شرکای کنونی و آینده‌مان ایجاد می‌کند. ما تقریباً ۲۲۰۰ جایزه و پاداش را به صورت سالانه برای جوانان دارای استعداد بالای تحصیل در انگلستان از راه طرح‌های بورس تحصیلی چیونینگ، مارشال و کشورهای مشترک‌المنافع مدیریت و سرمایه‌گذاری خواهیم کرد. همچنین سودمندی‌ها و مزایای این سرمایه‌گذاری را در طول

سال‌های آینده بیشتر خواهیم کرد و شبکه بین‌المللی قوی‌تری از افرادی ایجاد می‌کنیم که از انگلستان و ارزش‌های مان حمایت می‌کنند.» (استراتژی امنیت ملی، دفاع و امنیت استراتژیک انگلستان، ۱۳۹۵، ص. ۹۶).

زنان، جوانان و اصحاب رسانه سه جامعه هدف در این بخش هستند؛ هم‌چنان‌که سال ۲۰۱۳، بریتانیا طرح چندجانبه‌ی توسعه و اصلاح با نام «خاورمیانه و شمال آفریقا گسترده‌تر»^{۲۰} را با تمرکز بر سه موضوع توسعه اقتصادی، توانمندسازی زنان و آزادی بیان ارائه کرد (FCO and DFID and MOD, 2015).

د. اجرای طرح‌های توسعه اقتصادی

یکی از بخش‌های سیاست دولت‌سازی، تشکیل دولتی است که توانایی اداره و تأمین هزینه‌های مالی خود را داشته باشد. در این راستا با سه اقدام به‌طور هم‌زمان صورت می‌گیرد: نخست عملیاتی کردن مدل‌های توسعه اقتصاد غربی در کشور هدف، دوم حمایت از کارآفرینان هم‌سو به منظور اشتغال‌زایی و سوم اعزام مستشاران اقتصادی به منظور آموزش کادر اصلی نظام اقتصادی آینده است.

گفته می‌شود که «در حال حاضر تجارت بریتانیا، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در مصر است که با سرمایه‌گذاری تجمیعی ۱۰ میلیارد پوندی در تمام حوزه‌های نفت، گاز و مخابرات حضور دارد» (Park, 2012). در همین راستا کنگ، معاون وقت دیوید کامرون در اولین سفر رسمی خود به مصر از یک بسته حمایتی برای کمک به روند دموکراسی و اصلاحات اقتصادی خبر داد. این بسته شامل موارد ذیل بود:

- پنج میلیون پوند بودجه بریتانیا برای بانک اروپایی جهت بازسازی و توسعه و ارائه کمک‌های فنی و اعتبار برای شرکت‌های کوچک و متوسط؛
- بیش از نیم‌میلیون پوند برای حمایت از پوشش رسانه‌ای متعادل انتخابات، زنان کاندیدا و حضور بین‌المللی در انتخابات؛
- حمایت از آموزش عالی مصر برای توسعه مجامع جهت مناظره‌های سیاسی؛

• حمایت از دوره‌های کارآموزی و آموزش توسعه تجارت برای ده‌هزار جوان مصری و تونس‌سی.

معاون خاورمیانه‌ای وزیر امور خارجه بریتانیا نیز به اقدامات اقتصادی دولت متبوعش در جهت شبکه‌سازی اشاره کرده و گفت: «در مصر و تونس از طریق همکاری با شورای بریتانیایی، ما به منظور بهبود وضعیت اشتغال جوانان با ایجاد ارتباط میان کارفرمایان و مراکز آموزش و سیاستگذاری از آموزش حمایت کردیم. همان‌گونه که کشورهای منطقه با چالش‌های پیشرو دست و پنجه نرم می‌کنند، توسعه آموزش باید یک بخش حیاتی پاسخ آنها و کسانی باشد که بریتانیا کاملاً از آنها حمایت می‌کند» (Burt, 2012). در این راستا طرح مشترک وزارت خانه‌های توسعه بین‌الملل^{۲۱} و امور خارجه بریتانیا با نام «مشارکت عربی»، به منظور انجام اصلاحات و رشد اقتصادی، تجارب و پشتیبانی لازم را در اختیار کشورهای هدف برای اجرای طرح-هایشان قرار می‌دهد. کشورهای هدف در این طرح، کشورهای مصر، تونس، اردن، مراکش و لیبی هستند (Foreign & Commonwealth Office, 2013).

وزارت توسعه بین‌الملل بریتانیا بخشی از اجرای طرح مشارکت عربی را در مصر بر عهده دارد. این وزارتخانه از سال ۲۰۱۱، به منظور کمک به مصر در چارچوب طرح منطقه‌ای تسهیلات اقتصادی مشارکت عربی^{۲۲} مالی ۱۲۵ میلیون یورو برای اجرای اصلاحات و توسعه اقتصادی در مصر، تونس، اردن، مراکش و لیبی در نظر گرفته شد. نمونه‌هایی از حمایت وزارت توسعه بین‌الملل بریتانیا در مصر عبارتند از کمک‌های فنی برای تصویب یک قانون جدید در مورد قوانین مالیات خرد^{۲۳} و توسعه یک پایگاه داده جدید در حوزه فقر؛ حمایت از ظرفیت‌سازی و دسترسی مالی برای شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط. بسیاری از پروژه‌های منطقه‌ای «تسهیلات اقتصادی مشارکت عربی» در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ ادامه یافت و همچنین پشتیبانی از طریق «صندوق منازعه، ثبات و امنیت»^{۲۴} در سطح بین دولتی صورت می‌گیرد (16-Smith, 2016, p. 15).

۵. توانمندسازی زنان: توسعه فمینیسم و مهندسی اجتماعی

یکی دیگر از اقدامات در راستای ایجاد شبکه هم‌سو و ساخت دولت در کشورهای هدف، توسعه شبکه‌های فمینیستی با هدف مهندسی اجتماعی است. این سیاست با عناوینی چون تقویت اقتصاد زنان سرپرست خانوار، کارآفرینی برای زنان و تقویت حضور اجتماعی- سیاسی زنان عملی می‌شود. به طور مثال مقامات بریتانیایی اعلام کردند: «برنامه‌های منطقه‌ای «طرح مشارکت عربی» شبکه‌های قدرتمند رهبران زن را تشکیل داده‌اند که می‌توانند تجربیات و بهترین شیوه اقدام را به اشتراک بگذارند.» (FCO and DFID and MOD, 2015).

در واقع توسعه اندیشه‌های فمینیستی و زن‌سالارانه در کشورهای اسلامی به عنوان گفتمان رقیب برای رویکردهای اسلامی در خصوص زنان، در بلندمدت به‌عنوان یک مانع جدی برای تقویت اندیشه‌های اسلام‌خواهانه و سدی در مقابل قدرت گرفتن گروه‌های اسلام‌گرا دیده می‌شود. به همین سبب وزارت توسعه بین‌الملل بریتانیا در قالب اجرای طرح مشارکت عربی در مصر، یک برنامه حقوق و مهارت برای زنان سرپرست خانوار برگزار کرد. همچنین تعدادی از پروژه‌های «صندوق منازعه»^{۲۵} در مصر بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ ذیل طرح همیاری توسعه فرابرجی بریتانیا^{۲۶} قرار گرفت. اینها از کمک به کمپین مقابله با خشونت علیه زنان تا مأموریت‌های حقیقت‌یابی و حمایت از اصلاحات در بخش امنیتی را در بر می‌گیرد. کل هزینه‌های این پروژه‌ها حدود ۶۵۰ هزار پوند بود. همچنین «صندوق منازعه، ثبات و امنیت»^{۲۷} در آوریل ۲۰۱۵ جایگزین «صندوق منازعه» شد. صندوق منازعه، ثبات و امنیت در ۲۰۱۵-۲۰۱۶، طرحی را برای ثبات اقتصادی در مصر به کار گرفت که بخشی از آن، ارائه حمایت هدف‌مند به زنان سرپرست خانوار در یکی از فقیرترین مناطق مصر بود (Smith, 2016, p. 15).

و. صدای جوانان عرب: طرح رهبران آینده

یکی از راهبردی‌ترین فعالیت‌های بریتانیا در راستای دولت‌سازی در مصر پس از بیداری اسلامی، سرمایه‌گذاری در جهت شناسایی و آموزش جوانان مصری در قالب طرح‌های مختلف بوده است. اعطای بورس تحصیلی، آموزش خبرنگاری، رسانه و چهره‌سازی همگی اقداماتی هستند که مقدمات را برای معرفی و حضور جوانان در مناصب دولتی فراهم می‌کنند. به‌همین منظور طرحی با عنوان «صدای جوانان عرب» با مشارکت بریتانیا در ارتباط با جوانان مصری اجرا شد؛ مقامات بریتانیایی اعلام کردند که از مجرای برنامه‌های منطقه‌ای طرح مشارکت عربی، از بورس تحصیلی افراد برجسته‌ای که به گفته آنها در ترویج حاکمیت قانون در کشور خود مشغول فعالیت بودند، حمایت کردند (FCO and DFID, 2015). از سوی دیگر مجموعه‌ای از کارگاه‌های آموزشی در عمان پایتخت اردن بین ۸ تا ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ برگزار شد؛ در این کارگاه‌ها ۶۰ نماینده از جوامع مدنی کشورهای منطقه برای بحث و گفتگو در مورد مسائل با نمایندگان جی ۸ و نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در طرح «خاورمیانه و شمال آفریقای گسترده‌تر» گرد آمدند. به رسمیت شناختن نقش مهمی که جوانان در توسعه جوامع جدید و ایجاد ثبات دارند و تمرکز بر جوانان، موضوع کلیدی این کارگاه‌ها بود (FCO and DFID and MOD, 2015). آلیستر برت نیز در خصوص فعالیت نهادهای مرتبط با دولت انگلیس برای اجرای طرح تربیت رهبران آینده در جوامع عربی گفت: ما با شورای بریتانیا (بریتیش کانسل) و بنیاد آنا لیند^{۲۸} برای ارائه طرحی با نام صدای جوانان عرب همکاری کردیم. تاکنون بیش از ۱۵۰ باشگاه مناظره در مصر، تونس و اردن برای آمادگی جوانان‌شان جهت ارائه دیدگاه‌ها و نظرات‌شان در مورد سیاست و جامعه ایجاد کردیم. ما در مصر به استقرار ناظران انتخابات پارلمانی کمک کردیم و با همکاری میان بی.بی.سی و رادیوی ملی مصری‌ها و اتحادیه تلویزیون‌ها برای پوشش خبری در خارج از پایتخت کمک کردیم» (2012)

Burt, معاون خاورمیانه‌ای وزیر امور خارجه انگلیس عنوان کرد که «من از طرح در حال اجرای «مشارکت عربی» برای آموزش تهیه‌کنندگان و روزنامه‌نگاران تلویزیون الجزایر بازدید کردم و با اعضای تیم سیاستین گوینده کهنه‌کار بی.بی.سی که مجری یک مناظره تلویزیونی در قاهره با هدف توسعه دموکراسی در مصر به عنوان بخشی از سری جدید مناظرات عربی است، صحبت کردم» (Burt: 2012). در همین راستا، در کشور مصر با همکاری بنیاد تامسون رویترز^{۲۹}، بیش از ۳۰۰ روزنامه‌نگار مصری برای تهیه گزارش‌های مدنظر آموزش دیدند و برای آنها فضایی برای انتشار داستان‌های‌شان با نام مستعار فراهم شد (FCO and DFID and MOD, 2015). هر چند به گفته وزیر امور خارجه وقت بریتانیا، دولت این کشور در سراسر منطقه در حال همکاری با بی.بی.سی و شورای بریتانیایی برای توسعه برنامه‌های جدید است (Hague, 2011)؛ اما در طرح‌هایی همچون مشارکت عربی نهادهای مختلف دولتی و یا به ظاهر مستقل بریتانیایی همکاری داشتند که از جمله‌های آنها مجموعه «شرکا و انجمن‌های جهانی»^{۳۰}، اندیشکده چاتم هاوس^{۳۱}، بنیاد وست‌مینستر برای دموکراسی^{۳۲}، شورای بریتانیایی^{۳۳}، بنیاد تامسون رویترز^{۳۴}، تراست خدمات جهانی بی.بی.سی^{۳۵} و بخش عربی بی.بی.سی جهانی^{۳۶} بود (FCO & UKAID, 2012: 7). طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نهادهای بریتانیایی در جهت آموزش و کادرسازی در میان اقشار مختلف مصری، اقدامات متعددی را صورت داده‌اند که برخی از آنها در جدول ذیل آمده است:

جدول (۱): برنامه‌های اعلامی نهادهای بریتانیایی در طرح «مشارکت عربی»

نام موسسه یا نهاد بریتانیایی	برنامه اعلامی
شرکا و انجمن‌های جهانی	تقویت فضا و کیفیت مشارکت سیاسی در مصر
اندیشکده چاتم هاوس	اجرای طرح «مصر در حال گذار: فرآیند گفتگوی سیاسی»
بنیاد وست‌مینستر برای دموکراسی	پیشرفت نهادهای چندحزبی و دموکراتیک

<p>ارتقای مهارت‌های یادگیری زبان انگلیسی برای جوانان در مصر، توسعه فرصت‌های شغلی برای جوانان مصری با آموزش آنها و ایجاد ارتباط کارفرمایان با این جوانان، اجرای طرح «صدای جوانان عرب» برای گفتگوهای سیاسی، طرح مشارکت سیاسی زنان در اجتماع، ایجاد ظرفیت و حمایت از ورود زنان به فرآیندهای سیاسی ملی و محلی.</p>	<p>شورای بریتانیایی</p>
<p>تقویت نقش رسانه‌ها در انتخابات سال ۲۰۱۲ مصر، حمایت از رسانه‌های غیرمتمرکز در مصر، آموزش رسانه‌ها، تقویت نهادها و موسسات برای توسعه سیاست‌های موثر، چارچوب‌های قانونی و نظارتی.</p>	<p>بنیاد تامسون رویترز</p>
<p>پشتیبانی از اتحادیه رادیو و تلویزیون مصر برای اجرای طرح «اصلاحات بخش خدمات عمومی» شامل پوشش انتخابات ۲۰۱۲</p>	<p>تراست خدمات جهانی بی.بی.سی</p>
<p>تولید برنامه‌های سیاسی و اجتماعی با هدف تقویت صدای عمومی و پاسخ‌گویی</p>	<p>بخش عربی بی.بی.سی جهانی</p>
<p>توسعه مهارت‌های رپرتاژ خبر از سوی شهروندان خبرنگار در مصر</p>	<p>مرکز تحقیقات رسانه‌ای و فرهنگی دانشگاه بیرمنگام سیتی</p>

منبع: (Foreign & Commonwealth Office, 2012-2014)

علاوه بر این، بریتانیا یکی از دولت‌های مجری طرح مشارکت دوویل^{۳۷} نیز بوده است که برای گذار سیاسی و اقتصادی در کشورهای مصر، تونس، مراکش، لیبی، اردن و یمن و شکل‌گیری دولت‌های جدید برنامه‌ریزی کرده‌اند (FCO and DFID and)

(MOD, 2015). مشارکت‌کنندگان در این طرح شامل کشورهای جی ۷ (کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، و ایالات متحده)، اتحادیه اروپا، شرکای منطقه‌ای (کویت، ترکیه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی)، موسسات و سازمان‌های بین‌المللی مالی (بانک توسعه اسلامی^{۳۸}، بانک توسعه آفریقا^{۳۹}، صندوق عربی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی^{۴۰}، صندوق پولی عربی^{۴۱}، بانک سرمایه‌گذاری اروپا^{۴۲}، بانک اروپایی برای بازسازی و توسعه^{۴۳}، شرکت سرمایه‌گذاری بین‌المللی^{۴۴}، صندوق بین‌المللی پول^{۴۵}، بانک توسعه آفریقایی^{۴۶}، صندوق اوپک برای توسعه بین‌المللی^{۴۷} و بانک جهانی^{۴۸}) هستند. چندین سازمان دیگر وجود دارند که از طرح مشارکت دوویل حمایت می‌کنند. از جمله اتحادیه عرب^{۴۹}، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^{۵۰} و موسسات سازمان ملل (FCO and DFID and MOD, 2015).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر تبیین سیاست انگلستان در قبال بیداری اسلامی در مصر با استفاده از چارچوب مفهومی دولت‌سازی و پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی بود که بریتانیا در مواجهه با جنبش‌های اسلامی و امواج بیداری اسلامی، چگونه آنها را در راستای اهداف ملی و سیاست‌های خود مدیریت، جهت‌دهی و یا کنترل می‌کند. بیان شد که استعمار نوین به عنوان مبنایی برای نفوذ و کنترل غیرمستقیم کشورهای کمتر توسعه‌یافته، با اجرای سیاست‌های دولت‌سازی متبلور می‌شود که اساساً در جهت احیای دولت‌های قدرتمند وابسته عمل می‌کنند. به همین منظور سیاست دولت‌سازی بریتانیا در کشور مصر بر پایه «آموزش، کادرسازی و ایجاد شبکه هم‌سو» در بستر اقدامات چندجانبه با همراهی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا و برخی بازیگران منطقه‌ای اجرا می‌شود. در گام نخست لندن که سرنگونی مبارک و پیروزی اسلام‌گرایان اخوانی را خلاف منافع ملی خود می‌دید، همگام با سیاست‌های کاخ سفید، با حمایت سیاسی از نظامیان مصر بستر را برای یک کودتا جدید مهیا کرد. در واقع، مقامات بریتانیا برخلاف

سیاست‌های اعلامی خود مبنی بر حمایت از یک دولت منتخب و دموکراتیک، تلاش کردند تا نخبگان مصری هم‌سو با سیاست‌های انگلیس، در فرآیند یک توافق سیاسی، قدرت را در دست گیرند. در شرایط کنونی نظامیان و ارتش مصر این نقش را بر عهده داشتند.

در گام دوم ایجاد کارکردهای بقای رژیم سیاسی با آموزش و بازسازی نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی محلی و ملی جهت مهار خشونت‌های کنترل نشده در دستور کار قرار گرفت؛ زیرا فقدان یا ضعف در حوزه‌های امنیتی مانع شکل‌گیری دولتی مقتدر می‌شود. همچنین مقامات لندن به این امر واقف هستند که حضور گسترده نیروهای خارجی و غیربومی برای تأمین امنیت در کشورهای هدف، علاوه بر بار مالی، به دلیل تبعات امنیتی و اجتماعی آن در عمل با چالش‌های جدی روبرو است؛ به این ترتیب، بسترها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که مسئولیت نهادهای نظامی-امنیتی در دست دانش-آموختگان مراکز امنیتی بریتانیا و غرب قرار گیرند. آموزش پلیس، نیروهای ضدتروریسم، افسران ارتش و ماموران امنیتی محلی و ملی در مراکز نظامی و اطلاعاتی بریتانیا و اعزام مستشاران بریتانیایی برای تقویت نهادهای مذکور از جمله این اقدامات بوده است.

در گام نهایی آموزش رسانه‌ها، زنان و جوانان و هم‌زمان کارآفرینی و توسعه مدنظر است تا در این راستا، علاوه بر اجرای طرح توسعه سیاسی-اقتصادی مطلوب لندن، فضای افکار عمومی مصر به سود بریتانیا مهندسی شود. اجرای طرح‌های توسعه، با هدف تشکیل دولتی است که توانایی اداره و تأمین هزینه‌های مالی خود را داشته باشد. در این راستا سه اقدام به طور هم‌زمان صورت می‌گیرد: نخست، عملیاتی کردن مدل-های توسعه اقتصاد غربی در کشور هدف. دوم، حمایت از کارآفرینان هم‌سو برای اشتغال‌زایی و سوم، اعزام مستشاران اقتصادی به منظور آموزش کادر اصلی نظام اقتصادی آینده. از سوی دیگر توسعه شبکه‌های فمینیستی با هدف مهندسی اجتماعی

ذیل عناوینی چون تقویت اقتصاد زنان سرپرست خانوار، کارآفرینی برای زنان و تقویت حضور اجتماعی- سیاسی زنان عملی می‌شود که هدف غایی آن تضعیف گفتمان اسلامی در مصر است. راهبردی‌ترین فعالیت‌های بریتانیا در راستای دولت‌سازی در مصر پس از بیداری اسلامی، سرمایه‌گذاری به منظور شناسایی و آموزش جوانان مصری در قالب طرح‌هایی مانند صدای جوانان عرب، مسأله آزادی بیان و مناظرات سیاسی بوده است. اعطای بورس تحصیلی، آموزش خبرنگاری و رسانه و چهره‌سازی همگی اقداماتی هستند که مقدمات را برای معرفی و حضور جوانان هم‌سو با بریتانیا در مناصب دولتی فراهم می‌کنند. در واقع تقویت فمینیسم، توسعه خبرنگاری و تربیت سیاسی با هدف تأسیس احزاب جدید در بستر اندیشه‌های سکولاریستی، عملاً با هدف مهار جریان‌های اسلام‌گرای مصر انجام می‌گیرند.

شبکه عناصر هم‌سو با بریتانیا در بخش‌های مختلف نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همگی در جهت حمایت و تقویت دولت قدرتمند مدنظر بریتانیا عمل خواهند کرد؛ اما همواره دچار این تناقض خواهند بود که چگونه سازوکاری که غایت خود را ایجاد یک جامعه دموکراتیک با ارزش‌هایی چون آزادی بیان و انتخابات آزاد معرفی می‌کند، از دیکتاتوری حاکم بر مصر دفاع می‌کند؛ تناقضی که پس از آغاز نخستین امواج بیداری اسلامی در مصر، سیاست خارجی بریتانیا را با چالش‌های جدی مواجه کرد.

جدول (۲): خلاصه‌ای از برخی اقدامات دولت انگلیس در قبال بیداری مردم مصر

توافق سیاسی	توانمندسازی امنیتی	توانمندسازی زنان و توسعه فمینیسم	توسعه اجتماعی و توسعه مدنی
اجماع نخبگان (پنهان و نامحسوس- غیرقابل اندازه‌گیری)	ارائه آموزش نظامی، اعزام مستشار نظامی و امنیتی	توانمندسازی زنان و توسعه فمینیسم	اجرای مدل توسعه اقتصادی غربی طرح رهبران جوان
۱- عدم تأیید روند تحولات در دوران به قدرت رسیدن اخوان المسلمین و تلاش برای انزوی و تصفیه قدرت اسلامگرایان. ۲- انگلیس با اعلام مواضع منفی در قبال اسلام‌گرایان اخوانی و بی‌تفاوتی نسبت به انجام کودتا در مصر، (در قالب میانه‌جویی)، درصدد حمایت سیاسی از طیف خاصی از جامعه نخبگانی مصر (ارتش) برآمد.	۱- تمرکز اصلی در حمایت از رژیم‌های جدید کمک به آنها، در بازسازی بخش ضدتروریسم و امنیتی آنهاست. ۲- همکاری با پلیس محلی. ۳- افزایش عملیات مشترک اطلاعاتی میان پلیس دو کشور. ۴- برگزاری جلساتی برای عملیات مشترک میان مقامات مصری و بریتانیایی و امضای یک یادداشت تفاهم یا آژانس جرائم سازمان یافته‌جدی در زمینه اشتراک‌گذاری اطلاعات با واحد اطلاعات مالی مصر. ۵- استقرار حدود ۱۰۰ نفر از نیروهای نظامی بخش مهندسی سلطنتی بریتانیا، از اوایل سال ۲۰۱۶ به منظور پشتیبانی از نیروها و ناظران چندملیتی در مصر. ۶- آموزش بیش از ۸۰ نفر از کارکنان نیروهای مسلح مصری طی سالهای ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به میزبانی بریتانیا.	۱- تقویت جریان‌های فمینیستی در مصر با استفاده از ظرفیت شورای بریتانیا و موسسه جهان امن‌تر، از طریق ایجاد ظرفیت، شبکه‌سازی و حمایت از رهبران منقاصی پشتیبانی. ۲- همکاری میان بی‌بی‌سی و رادیوی ملی مصری‌ها و اتحادیه تلویزیون برای پوشش خبری در خارج از پایتخت. ۳- آموزش بیش از ۳۰۰ روزنامه‌نگار مصری با همکاری بنیاد تامسون رويترز. ۵- نقش آفرینی بنیاد تامسون رويترز در زمینه آموزش رسانه‌ها، تقویت نهادها و موسسات برای توسعه سیاست‌های مؤثر.	۱- بریتانیا بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در مصر با سرمایه‌گذاری تجمعی ۱۰ میلیارد پوندی در تمام حوزه‌های نفت، گاز و مخابرات. ۲- ارائه بسته حمایتی برای کمک به روند دموکراسی و اصلاحات اقتصادی از جمله اعطای پنج میلیون پوند به بانک اروپایی جهت بازسازی و توسعه و ارائه کمک‌های فنی و اعتبار برای شرکت‌های کوچک و متوسط. ۳- پیچود وضعیت اشتغال جوانان با ایجاد ارتباط میان کارفرمایان و مراکز آموزش و سیاست‌گذاری در مصر و تونس با همکاری شورای بریتانیا.

منبع: (یافته‌های تحقیق)

1. European Summit in Paris
2. European Common Market
3. Truman Doctrine
4. International Monetary Fund
5. World Bank
6. Morton A. Kaplan
7. Responsive state-building
8. Political Settlement
9. Elite Consolidation
10. Survival Functions
11. Expected Functions
12. Export Licensing Organisation of the Department for Business, Innovation and Skills
13. Multinational Force and Observers (MFO)
14. Stabilisation Aid Fund
15. Stabilisation Unit
16. DIFD
17. FCO
18. MOD
19. Conflict Prevention Pool
20. Broader Middle East and North Africa (BMENA)
21. Department for International Development (DFID)
22. Arab Partnership Economic Facility (APEF)
23. microfinance law
24. Conflict, Stability and Security Fund (CSSF)
25. Conflict Pool
26. UK Overseas Development Assistance (ODA)
27. Conflict Stability and Security Fund
28. The Anna Lindh Euro-Mediterranean Foundation for the Dialogue Between Cultures
29. Thomson Reuters Foundation
30. Global Partners and Associates
31. Chatham House
32. Westminster Foundation for Democracy
33. British Council (British Council and Young Arab Voices & British Council - English for Youth Employability)
34. Thomson Reuters
35. BBC World Service Trust
36. BBC World Service (Arabic)
37. Deauville Partnership

38. Islamic Development Bank
39. African Development Bank
40. Arab Fund for Economic and Social Development
41. Arab Monetary Fund
42. European Investment Bank
43. European Bank for Reconstruction and Development
44. International Finance Corporation
45. International Monetary Fund
46. African Development Bank
47. OPEC Fund for International Development
48. World Bank
49. Arab League
50. Organization for Economic Cooperation and Development

کتابنامه

- _____، (۱۳۹۵)، استراتژی امنیت ملی، دفاع و امنیت استراتژیک انگلستان، ترجمه و انتشار: دبیرخانه شورای راهبردی روابط خارجی.
- کلیتون، هیلاری، (۱۳۹۴)، گزینه‌های دشوار: وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا ۲۰۰۹-۲۰۱۳، ترجمه: علی اکبر عبدالرشیدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کمیته امور خارجی مجلس عوام بریتانیا، (۱۳۹۵)، «اسلام سیاسی در خاورمیانه از نگاه بریتانیا؛ با محوریت فعالیت‌های اخوان المسلمین»، وبسایت ایران یوریکا، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۱۲/۳، قابل دسترسی در:
- <http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=505>
- Burt, Alistair, (2011), "Ensure the hopes of the Arab Spring aren't dashed", Official website of UK government, Retrieved: 11 July 2011, From: <https://www.gov.uk/government/news/ensure-the-hopes-of-the-arab-spring-arent-dashed>
- Burt, Alistair, (2011), "Implications of the Arab Spring for the UK Government's Counter Terrorism Strategy", Official website of UK government, Retrieved: 13 September 2011, From: <https://www.gov.uk/government/speeches/implications-of-the-arab-spring-for-the-uk-governments-counter-terrorism-strategy>
- Burt, Alistair, (2012), "UK commitment to the Middle East", Official website of UK government, Retrieved: 21 March 2012, From: <https://www.gov.uk/government/speeches/uk-commitment-to-the-middle-east>

- Burt, Alistair, (2012), "Britain and Minnesota: Partners in turbulent times", Official website of UK government, Retrieved: 30 January 2012, Available at:
www.gov.uk/government/speeches/britain-and-minnesota-partners-in-turbulent-times-2
- Burt, Alistair, (2012), "The Arab Partnership", Official website of UK government, Retrieved: 6 November 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/speeches/the-arab-partnership>
- Burt, Alistair, (2012), "The Arab Spring and Challenges for 2012", Official website of UK government, Retrieved: 2 February 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/speeches/the-arab-spring-and-challenges-for-2012-4>
- Burt, Alistair, (2012), "Foreign Office Minister celebrates UK education and international collaboration", Official website of UK government, Retrieved, 1 August 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/news/foreign-office-minister-celebrates-uk-education-and-international-collaboration>
- Burt, Alistair, (2012), "The UK's response to the Arab Spring", Official website of UK government, Retrieved: 31 October 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/news/the-uks-response-to-the-arab-spring>
- Burt, Alistair, (2012), "The Arab Spring and Challenges for 2012", Official website of UK government, Retrieved: 2 February 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/speeches/the-arab-spring-and-challenges-for-2012-4>
- Burt, Alistair, (2012), "The UK's response to the Arab Spring", Official website of UK government, Retrieved: 31 October 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/news/the-uks-response-to-the-arab-spring>
- Burt, Alistair, (2012), "The Arab Partnership", Official website of UK government, Retrieved: 6 November 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/speeches/the-arab-partnership>
- Cabinet Office, (2012), "The Intelligence and Security Committee's Annual Report for 2011-2012", Official website of UK government", Retrieved: 12 July 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/news/the-intelligence-and-security-committee-s-annual-report-for-2011-2012>
- Cameron, David, (2012), "David Cameron's address to the United Nations General Assembly", Official website of UK government, Retrieved: 26 September 2012, From:
<https://www.gov.uk/government/speeches/david-camerons-address-to-the-united-nations-general-assembly>
- Clegg, Nick, (2011), "Deputy Prime Minister's speech on the Arab Spring", Official website of UK government", Retrieved: 22 August 2011, From:

<https://www.gov.uk/government/speeches/deputy-prime-ministers-speech-on-the-arab-spring>

- Clegg, Nick, (2011), "Deputy Prime Minister visits Egypt", Official website of UK government, Retrieved: 20 October 2011, From: <https://www.gov.uk/government/news/deputy-prime-minister-visits-egypt>
- Cockburn, Patrick, (2016), "The Arab Spring, five years on: A season that began in hope, but ended in desolation", Retrieved: 8 January 2016, From: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/the-arab-spring-five-years-on-a-season-that-began-in-hope-but-ended-in-desolation-a6803161.html>
- Dobbins, James and others (2007), The beginner's guide to nation-building, RAND Corporation.
- Dobbins, James and others (2008i), After the war: nation-building from FDR to George W. Bush, RAND Corporation.
- Dobbins, James and others (2008), Europe's role in nation-building: from the Balkans to the Congo, RAND Corporation
- Eltahawy, Mona, (2011), "Please Britain, don't let Mubarak inspire your response to unrest", The Guardian, 12 Aug 2011, From: <http://www.guardian.co.uk/commentisfree/2011/aug/12/riots-egyptian-mubarak-civil-liberties>
- FCO & UKAID (2012), "Leading the UK Government's strategic response to the Arab Spring: The Arab Partnership", Foreign and Commonwealth Affairs & International Development.
- FCO and DFID and MOD, (2015), "Policy paper: 2010 to 2015 government policy: peace and stability in the Middle East and North Africa", Retrieved: 8 May 2015, From: <https://www.gov.uk/government/publications/2010-to-2015-government-policy-peace-and-stability-in-the-middle-east-and-north-africa/2010-to-2015-government-policy-peace-and-stability-in-the-middle-east-and-north-africa>
- Foreign & Commonwealth Office, (2013), "Arab Partnership", Official website of UK government, Retrieved: 25 March 2013, From: <https://www.gov.uk/guidance/arab-partnership>
- Foreign & Commonwealth Office, (2014), "Arab Partnership Participation Fund", Retrieved: 22 January 2014, From: <https://www.gov.uk/guidance/arab-partnership-participation-fund>
- Fritz, Verena and Menocal, Alina Rocha, (2007), Understanding State-Building from a Political Economy Perspective: An Analytical and Conceptual Paper on Processes, Embedded Tensions and Lessons for International Engagement, DFID: Overseas Development Institute
- Hague, William, (2012), "Foreign Office Minister: UK committed to recovery and return of stolen assets", Official website of UK government, Retrieved: 3 September 2012, From:

- <https://www.gov.uk/government/news/foreign-office-minister-uk-committed-to-recovery-and-return-of-stolen-assets>
- Halperin, Sandra, (2018), "Neocolonialism", Encyclopædia Britannica, Retrieved: 10 April 2018, From: <https://www.britannica.com/topic/neocolonialism>
- Hehir, Aidan, (2008), "Humanitarian Intervention: Past, Present and Future", Political Studies Review: VOL 6, 327–339.
- House of Commons (2012), British foreign policy and the 'Arab Spring', Second Report of Session 2012–13.
- Livingstone, Grace (2013), "How British loans funded dictators' arms spree", Retrieved: 4 May 2013, From: <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/how-british-loans-funded-dictators-arms-sprees-8604194.html>
- Ministry of Defence, (2016), "UK supports training of Egyptian Armed Forces", Retrieved: 20 September 2016, From: <https://www.gov.uk/government/news/uk-supports-training-of-egyptian-armed-forces>
- Park, Ashley, (2012), "Speech by the Commercial Secretary to the Treasury, Lord Sassoon to the Middle East Association", Official website of UK government", Retrieved: 25 October 2012, From: <https://www.gov.uk/government/speeches/speech-by-the-commercial-secretary-to-the-treasury-lord-sassoon-to-the-middle-east-association>
- Philip Leech and Jamie Gaskarth, (2015), British Foreign Policy and the Arab Spring, Diplomacy and Statecraft 26(1):139-160 · March 2015, Taylor & Francis Group.
- Sengupta, Kim, (2013), "Blood money: UK's £12.3bn arms sales to repressive states", Retrieved: 16 July 2013, From: <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/blood-money-uk-s-123bn-arms-sales-to-repressive-states-8711794.html>
- Shirazi, Nima (2013), "Margaret Thatcher & Her Dictator Friends", Retrieved: 11 April 2013, From: <https://muftah.org/margaret-thatcher-her-dictator-friends/#.Wcfv9rIjHIU>
- Smith, Ben, (2016), Egypt under Sisi, The House of Commons: BRIEFING PAPER, Number 7146, 26 February 2016.
- Stilz, Anna, (2015), Against Democratic Interventionism, Ethics & International Affairs, 29, no. 3, p: 259-268.
- Whaites, Alan, (2008), States in Development: Understanding State-building, DFID of UK: Policy and Research Division.
- Willis, Bob, (2011), "U.K.'s Cameron Urges Peaceful Reforms in Egypt in CNN Interview", Bloomberg, Retrieved: 30 Jan 2011, From: <http://www.bloomberg.com/news/2011-01-30/u-k-s-cameron-urges-peaceful-democratic-reforms-in-egypt-in-cnn-interview.html>



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی